

علم جدید در محیطی دین‌باور شروع شد

گلشنی، استاد فلسفه علم با بیان اینکه علم جدید در محیطی دین‌باور شروع شد، گفت: با ظهور پوزیتیویسم، داروینیسیم، فرویدیسم و پوزیتیویسم منطقی دین شأن خود را در محافل علمی از دست داد.



گلشنی، استاد فلسفه علم با بیان اینکه علم جدید در محیطی دین باور شروع شد، گفت: با ظهور پوزیتیویسم، داروینیسیم، فرویدیسم و پوزیتیویسم منطقی دین شأن خود را در محافل علمی از دست داد.

مهدی گلشنی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد رابطه علم و دین در تاریخ معاصر گفت: علم جدید در محیطی دین باور شروع شد و بنیانگذاران علم جدید مطالعه طبیعت را یک عبادت می دانستند، اما کم کم مکاتبی که فقط برای یافته های حاصل از تجارب حسّی، شأن قائل بودند نضج گرفتند و پیشرفت نسبتاً سریع علم جدید، در بُعد نظری و بُعد عملی، موقعیت این گونه مکاتب را تقویت کرد.

وی افزود: با ظهور پوزیتیویسم و داروینیسیم در قرن نوزدهم و فرویدیسم در نیمه اول قرن بیستم و پوزیتیویسم منطقی در دهه ۱۹۲۰، دین شأن خود را در محافل علمی از دست داد و بعضی پیش بینی کردند که در قرن بیستم دین به کلی از صحنه علم خارج خواهد شد، اما با خسارات حاصل از دو جنگ جهانی و نضج گیری مکاتب مختلف فلسفه علم، در نیمه دوم قرن بیستم، کم کم روشن شد که علم توانایی پاسخگویی به سوالات بنیادی بشر را ندارد و حتی موفقیت خود را نمی تواند توجیه کند.

چهره ماندگار فیزیک کشور تصریح کرد: همچنین روشن شد که انسان نمی تواند فارغ از بعضی عوامل دیگر جلوی آثار تخریبی علم در نابودی انسان ها و محیط زیست را بگیرد، لذا از دهه ۱۹۶۰ به بعد به تدریج بازگشت به دین را در بعضی محافل علمی می بینیم. ایان باربور در دهه ۱۹۶۰ کتاب معروف علم و دین را نوشت که در آن دیدگاه ها در مورد رابطه علم و دین را در چهار مقوله تعارض، استقلال، گفتگو و هماهنگی تقسیم کرد. چارلز تاونز، برنده جایزه نوبل در فیزیک، نیز در همان دهه مقاله ای در زمینه تقارب علم و دین نگاشت.

وی اضافه کرد: به تدریج در دهه های آخر قرن بیستم چاپ مجلات و کتب و برگزاری همایشهایی در زمینه علم و دین را می بینیم. در دهه ۱۹۹۰، بنیاد تمپلتون در آمریکا جوایزی برای ارائه دروس در زمینه علم و دین مقرر کرد و این دروس در غالب کشورهای جهان ارائه شد.

این استاد فلسفه علم بیان کرد: همچنین در دهه ۱۹۹۰ شاهد فعالیت های ثمربخش بعضی دانشگاه ها در زمینه علم و دین بودیم و تعداد بسیار زیادی مؤسسات مربوط به دین در دانشگاه ها تأسیس شدند. مثلاً در دهه های آخر قرن بیستم انجمن فلاسفه مسیحی به راه افتاد که تعداد اعضای آن مرتباً رو به افزایش بوده و اکنون چندین هزار عضو دارد. همچنین رابطه علم و دین هم از وضعیت خصمانه نیمه اول قرن بیستم به گفتگو تبدیل شده است.

گلشنی در ادامه سخنانش اظهارکرد: بسیاری از دانشمندان برجسته که قبلاً تمایلات دینی خود را بروز نمی دادند، اکنون صریحاً آن را ابراز می کنند. همچنین گرچه در بسیاری از کشورهای غربی تفکر سکولار حاکم است، تعداد قابل توجهی از بزرگان مرتبه اول علم معاصر متدین بودن خود را صریحاً متذکر شده اند و به دفع شبهات ملحدان و شکاکان پرداخته اند. جالب این است که اتحاد جماهیر شوروی، که همه وسایل دیکتاتوری را در اختیار داشت، نتوانست کلیسای ارتودوکس روسی را از بین ببرد و درس علم و دین بنیاد تمپلتون در آن کشور نیز عرضه شد.

بدین ترتیب، برخلاف وعده بسیاری از عالمان در اول قرن بیستم، دین نه تنها از صحنه زندگی بشر بیرون نرفته، بلکه با قوتی بس بیشتر به صحنه زندگی انسان ها بازگشته است و ما درگیر شدن بسیاری از عالمان برجسته زمان مان را در پاسخگویی به شبهات ملحدان و ماده گرایان می بینیم، اما متأسفانه این نسیم مثبت به دیار ما نرسیده است و سکولاریسم در محیطهای علمی ما تقویت شده است و البته این به علت غفلت دانشگاهیان مسلمان و غالب نخبگان حوزوی بوده است.

نویسنده کتاب «علم و دین در افق جهان بینی توحیدی» در مورد علل نگارش این اثر هم گفت: این اثر کوششی در جهت تبیین چالشهای عرضه شده توسط علم معاصر در برابر ادیان الهی است. آن عمدتاً مبتنی بر درسی است که

اینجانب در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ میلادی) در گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف ارائه کردم و در همان سال موفق به اخذ جایزه درس علم و دین بنیاد تمپلتون شد. اینجانب در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۶-۹۷ نیز این درس را با اضافاتی بسیار نسبت به درس قبلی ارائه کردم و این کتاب حاصل درس جدید است. در این کتاب با ارجاع به افکار بعضی از متفکران برجسته غربی نشان داده شده است که در بسیاری از مسائل مطرح بین علم و دین، مشترکات بسیاری بین متفکران متدین غربی معاصر و فلاسفه و دانشمندان مسلمان وجود دارد و اینکه با تبعیت از جهان بینی اسلامی، مسلمانان می توانند به یک پیشرفت مطلوب پایدار دست یابند.

وی در پایان با بیان اینکه در این کتاب ابتدا به رابطه علم و دین در جهان اسلام و در جهان غرب، پس از تگون علم جدید، پرداخته ایم، گفت: سپس مکاتب مختلف در مورد رابطه علم و دین را معرفی کرده ایم. آنگاه مسأله عدم خودکفایی علم تجربی و امکان حاکمیت یک فرهنگ مشترک بین علم و دین را مطرح کرده ایم. سپس به برخی مسائل چالش برانگیز که علم جدید در مقابل ادیان الهی مطرح کرده است پرداخته ایم (وجود خداوند، خلقت جهان، معجزه، شرور، هدفداری جهان و معاد). آنگاه مسأله رابطه علم و ارزشها را طرح نموده و مسأله مطلوب بودن علم دینی و ضرورت حاکمیت یک چارچوب جامع تر بر علم آینده را متذکر شده ایم.